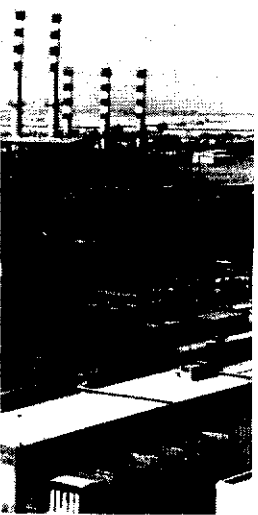
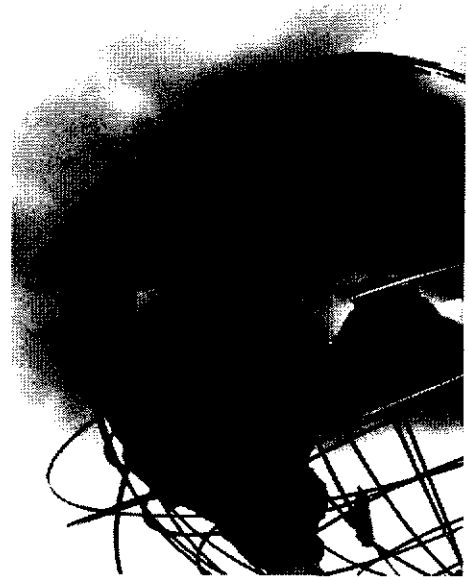


اوپک گاز نقش و منافع ایران

◆ محمود علیمرادپور



متاسفانه با وجود حجم بالای ذخایر گاز در خاورمیانه هنوز بازار جهانی برای گاز شکل نگرفته و خاورمیانه سهمی در بازار جهانی گاز ندارد.

رشد شدید تقاضا برای گاز در مصارف غیر صنعتی برای جایگزین سازی نفت و سیاست جایگزینی گاز به جای سایر نهادهای انرژی، به وجود آمدن تکنولوژی‌های جدید مانند LNG و CNG و LPG، رشد سریع جمعیت در جهان، هراس از پایان نفت و ذخایر نفتی در جهان و پروتکل کیوتو برای کاهش انرژی‌های ضد محیط‌زیست شرایطی ایجاد کرده که مصرف گاز در جهان رشد بالایی پیدا کند به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آینده ۲۵ درصد از کل مصرف انرژی جهان توسط گاز تامین شود.

این در حالی است که خاورمیانه با تولید ۸/۳ تریلیون فوت مکعب گاز در رتبه اول ذخایر گاز است و ایران با ۹۴۰،۹۴۰ قطر با ۹۱۰ و عربستان با ۲۳۱ تریلیون فوت مکعب و عمان با ۱۱۰ تریلیون فوت مکعب پس از روسیه بیشترین حجم ذخایر گاز را دارند.

کشورهای آمریکا، اروپای غربی، ژاپن، استرالیا، چین و کره جنوبی از مهم‌ترین مصرف‌کنندگان گاز در جهان هستند که توانسته‌اند بدون توجه به نقش گاز در تامین انرژی با شکل دهی به بازارهای منطقه‌ای، از کشورهای همسایه خود گاز مصرفی خود را به شکلی ارزان و با توافق دوجانبه تامین کنند. این امر باعث شده گاز مثل نفت دارای قیمت جهانی نباشد و عواملی غیر اقتصادی قیمت آن را شکل دهند و به طور کلی کشورهای تولیدکننده متضرر

شوند. با توجه به رابطه میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ۷ بازار منطقه‌ای گاز در جهان وجود دارد که بدون هیچ ارتباط منطقی با یکدیگر راسا و به شکل منطقه‌ای به قیمت‌گذاری اقدام می‌کنند که عبارتند از: اروپای شرقی، آفریقای جنوبی و مرکزی، خاورمیانه، آسیا، آمریکای شمالی و بازار اروپا.

در هر یک از این بازارها چند کشور تولیدکننده گاز و چند کشور مصرف‌کننده آن هستند. برای مثال در بازار آمریکای شمالی سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک قرار دارند که با رشد سالانه ۱/۶ درصد بالاترین رشد مصرف را دارند که در این بازار، آمریکا مصرف‌کننده و تولیدکنندگان مکزیک و کانادا هستند.

در بازار گاز اروپا که دومین بازار مصرفی گاز است کشورهای آلمان، ایتالیا، انگلیس و فرانسه عمده‌ترین مصرف‌کنندگان هستند و کشورهای روسیه اروپای شرقی، الجزایر و لیبی به عنوان تولیدکننده فعال هستند.

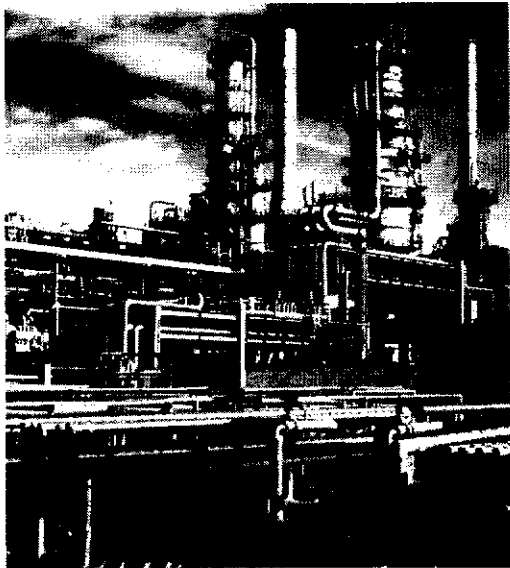
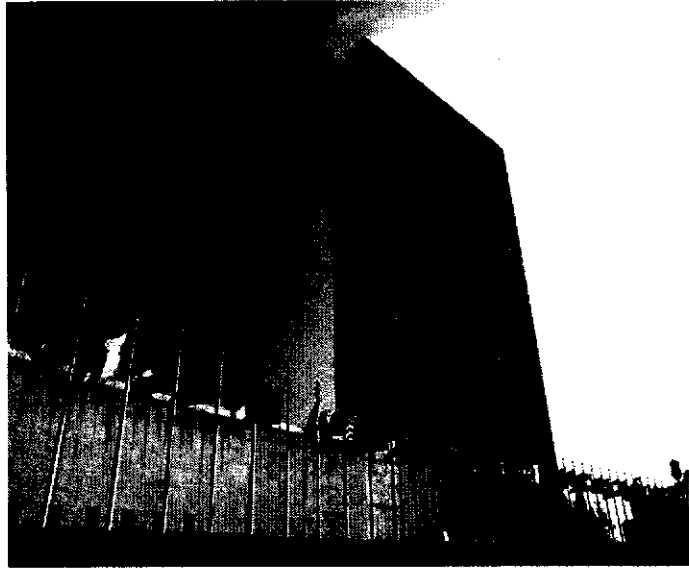
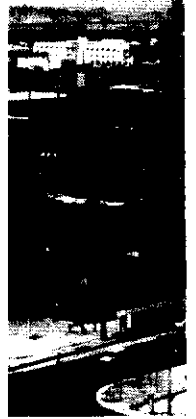
در بازار منطقه‌ای آسیای شرقی که در شرق و جنوب شرق آسیا فعال است کشورهای ژاپن، کره، استرالیا و نیوزیلند در کنار چین به عنوان مصرف‌کننده گاز عمل می‌کنند و کشورهای اندونزی، مالزی، تایلند و روسیه به عنوان تامین‌کننده گاز قرار دارند.

در بازار آمریکای جنوبی و مرکزی کشورهای بولیوی، ونزوئلا، برزیل و آرژانتین فعالند و بخشی از تولیدات خود را از طریق LNG و CNG به کشور آمریکا ارسال می‌کنند.

در بازار آفریقا کشورهای الجزایر، نیجریه و لیبی به همراه کشور مصر فعالند و عمده تولیدات خود را به اروپا می‌فرستند. تونس، گابن، کامرون، آنگولا و کنگو نیز در این بازار در حال فعال شدن هستند. اما جهت‌گیری صادراتی ندارند.

در بازار خاورمیانه کشورهای ایران، قطر، عربستان و عمان بیش از دیگران فعال هستند و بیشترین حجم تولید را قطر بر عهده دارد. کشورهای ایران، عربستان و عمان نیز با دو جهت‌گیری عمده سعی دارند در این بازار فعال شوند. اولین هدف این کشورها سیاست جایگزینی گاز به جای مصرف داخلی نفت است که با این اقدام مهم نفت صادراتی خود را افزایش می‌دهند. دومین هدف از افزایش تولید گاز در این کشورها سیاست بهینه‌سازی و ایجاد ارزش افزوده در نفت و مشتقات آن است. در این راستا این کشورها می‌کوشند گاز را برای تزریق به چاههایی که با افت فشار مواجه شده‌اند منتقل کنند و ظرفیت و عمر چاههای خود را بالا ببرند. علاوه بر این تلاش می‌شود گاز را برای انتقال به بخش پتروشیمی و ایجاد پالایشگاه‌های ویژه پتروشیمی استحصال کنند. یکی دیگر از سیاست‌های این کشورها استراتژی خطوط لوله و ایجاد دوستان خارج از منطقه با صادرات گاز است.

این مهم برای ایران با خط انتقال گاز به ترکیه، یونان و اروپای مرکزی و غربی هدف است و خط دیگری که از پاکستان به هند و حتی چین احداث می‌شود نیز دارای هدف‌های فراوان است.



پرسشی که اکنون مطرح می‌شود این است که چرا بر خلاف نفت که نطفه‌ی انعقاد اوپک از خاورمیانه و خلیج فارس بود در مورد گاز سیاست کشورهای منطقه متضاد، ناهمگون و گاه متناقض است و آمیدی به آینده همگون بازار گاز خاورمیانه برای دفاع از حقوق تولیدکنندگان وجود ندارد.

عوامل ذیل در این ناتوانی موثر هستند:

عوامل سیاسی، اگر در دهه ۶۰ قرن بیستم مشکل قرار دادهای نفتی، آگاهی نخبگان مرتبط با نفت بحران کانال سوئز، تحولات ایران در دوران مصدق و دهها عامل دیگر باعث تشکیل اوپک شده این وضعیت در شرایط کنونی وجود ندارد و آمیدی به اتحاد کشورهای برای ایجاد بازار گاز در خاورمیانه نیست. عامل مهم دیگر نگرش منفی نخبگان و تصمیم‌گیرندگان کشورهای دارای گاز در منطقه است که موجب شده نسبت به حرکت جمعی برای دفاع از منافع تولیدکنندگان با بدبینی برخورد کنند. شاهد مثال اقدامات غیر دیپلماتیک قطر در محدوده پارس جنوبی است.

عامل مهم دیگر، ضعف تکنولوژی صادرات گاز در این منطقه و دوری بازار تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. اگر خاورمیانه می‌توانست بازار اروپا را به دست بگیرد. شاید در آینده یک بازار و یک اوپک گازی در منطقه شکل می‌گرفت. اما متأسفانه به دلیل بی‌ثباتی سیاسی در خاورمیانه، اروپا همواره سعی کرده گاز خود را از روسیه و اروپای شرقی و حداکثر کشورهای شمال آفریقا تأمین کند و کمتر به خلیج فارس توجه نماید. هزینه بر بودن سیستم خط

لوله، عدم توجه به تکنولوژی صادرات CNG و LNG نیز باعث شده خاورمیانه کمتر برای تشکیل بازار گاز تلاش کند. علاوه بر این وابستگی کشورهای خلیج فارس به صادرات نفت و فروش آسان این ماده پر ارزش به شکل خام و کم‌توجهی کشورهای دارای نفت به ارزش اقتصادی گاز این منطقه، باعث شده کشورهای تولیدکننده نفت اهمیتی برای شکل دهی به بازار گاز ندهند و بالاخره خرید و فروش دو جانبه گاز نیز باعث شده کشورها به شکل دو جانبه به تعیین قیمت و نحوه مبادله اقدام کنند و تلاشی جمعی و منطقه‌ای برای تشکیل بازار گاز به وجود نیاید.

اگر روند مصرف گاز به شکل کنونی ادامه یابد. این امید وجود دارد که با گران شدن قیمت نفت و استراتژی خطوط لوله در جهان و پیشرفت تکنولوژی صادرات گاز در آینده یک بازار گاز جهانی با قیمت‌گذاری جهانی شکل بگیرد و در آینده بتوان بیش از گذشته منافع تولیدکنندگان را تأمین کند. اگر قیمت‌گذاری گاز از حاشیه قیمت‌گذاری نفت خارج شود و خود به عنوان یک نهاده مهم انرژی مطرح شود امید به تشکیل اوپک گاز وجود خواهد داشت. در این میان ایران بیش از سایر کشورهای خاورمیانه نیازمند تدوین استراتژی جامع برای انرژی گاز است. استراتژی انرژی ایران و حذف موقعیت جغرافیایی ایران توسط آمریکا به شدت دنبال می‌شود. این اقدام یکی از وجوه پنهان استراتژی تحریم اقتصادی ایران است که در صورت موفقیت منافع

ملی ایران را به خطر خواهد انداخت. احداث خط لوله باکو - جیحان با هزینه بالا برای عدم عبور خط لوله نفت از خاک ایران، ممانعت از احداث خطوط لوله نفت و گاز آسیای مرکزی به سود ایران. ممانعت از حضور ایران در صنعت نفت جمهوری آذربایجان و تلاش برای حذف نقش ایران در منطقه مهم آسیای مرکزی تنها در راستای سیاست بلندمدت آمریکا برای حذف قدرت ایران در منطقه و قرار دادن این کشور در سطح کشورهای کوچک منطقه است. ایران برای عبور از این مرحله نیازمند تلاش جدی‌تر برای ایجاد خطوط لوله گاز منطقه‌ای است و در این راستا احداث خط لوله به هند و پاکستان و چین از یک سو و ترکیه، یونان، اتریش و اروپا از سوی دیگر می‌تواند ایران را از انزوای مورد نظر آمریکا خارج سازد. این مهم نیازمند همکاری با کشورهای دارای گاز در منطقه و ایجاد یک بازار مطمئن گاز در خلیج فارس است.

به طور کلی زمان به سود ایجاد اوپک گاز در حرکت است و هر چه نفت گران‌تر شود، تکنولوژی صادرات گاز بهبود یافته و اقتصادی‌تر شود و نگرش نخبگان و تصمیم‌گیرندگان منطقه نسبت به منافع کشورها به یکدیگر نزدیک شود این احتمال وجود دارد که یک اوپک گاز در جهان شکل بگیرد. در این صورت نه تنها از نظر اقتصادی به نفع کشورهای منطقه است بلکه بر موفقیت مهم خلیج فارس نیز افزوده شده و قدرت بازی کشورهای دارای گاز در جهان بالا می‌رود.